

کشتی نجات

آتش گرفت جان من از ماتم حسین

عالم سیاه پوش بشد در غم حسین

شد محشری ز عشق تو یا رحمت خدا

خون شد دلم ز داغ تو یا نور کبریا

این شورش زمین و زمان در عزای توست

ای شاه بی کفن همه جان ها فدای توست

وحی خداست آن بدن چاک چاک تو

رسواگر ریا و ستم، خون پاک تو

اصل فساد و فتنه ز روز سقیفه بود

دور از ولای آل علی زندگی چه سود؟!

ما غرق در گناه و زمین غرق در فساد

ای کشتی نجات، تویی شافع معاد

باشد به زیر بار ستم زندگی چو ننگ

مردن به عشق، خیر و سعادت بُود نه مرگ

خون گریه می کند گلِ نرگس به روز و شب

دارد به سوز، ذکر فرَج را به زیر لب

تمامی اشعار این سایت، متعلق به هیئت شیفتگان حضرت رقیه (سلام الله علیها) شوش دانیال (علیه السلام) می باشد.
به نیت ترویج فرهنگ غنی شیعه علوی، کپی برداری با ذکر منبع مجاز می باشد.